

محمد اعظمی

## در دفاع از انتخابات آزاد

## نکاتی پیرامون «کمیته دفاع از انتخابات آزاد، سالم و عادلانه»

صفحه ۶ &lt;

طبعاً رفع هرگونه نظارت استصوابی و مافوق رای مردم و تامین امنیت جانی و مالی شهروندان آزاد، خواسته همه فعالین سیاسی است و سالهاست که برای تحقق آنها تلاش می‌شود و تا کنون بسیاری انسانهای شریف و آرمانخواه در راه تحقق این خواسته‌ها جان باخته‌اند. پرسیدنی است، این کمیته که فاقد هرگونه قدرت اجرایی است، در شرائط فقدان یک جنبش نیرومند اجتماعی چگونه می‌خواهد تا سه ماه دیگر چنین بستری را فراهم کند؟ بیان آرزوهای سیاسی دمکراتیک بر کسی عیب نیست، اما تحقق آن نیاز به برنامه جدی و نقشه راه دارد.

نکته جالب اینجا است که به دنبال انتشار اطلاعیه این کمیته، پیشنهادات دیگری هم از سوی دیگران داده می‌شود و از آن جمله معرفی کاندیدا برای انتخابات است. به نظر می‌رسد بسترسازی برای انتخابات آزاد و کار فرهنگی کافی نیست و از آنها خواسته می‌شود که کاندیدا هم معرفی کنند. می‌ماند برگزاری انتخابات، که اگر کمیته فوق آن را هم برعهده گیرد، تمام مسائل برگزاری یک انتخابات آزاد و دمکراتیک حل و فصل شده است!!!

## گزارش بررسی عملکرد و کمیته «دفاع از انتخابات آزاد»

اوضاع فعلی سیاسی در ایران چیزی جز برگزاری یک انتخابات از نوع دیگر انتخابات جمهوری اسلامی را در چشم‌انداز ندارد. در چند ماه گذشته حکومت اسلامی نشان داده که تحمل هیچ صدای مخالفی را ندارد و جابجایی‌های اخیر در وزارت کشور و برخی استانداران و فرمانداران و مقامات مسئول استان‌ها، نشان از عزم جزم حکومت در کنترل انتخابات دور هشتم مجلس دارد. تا برگزاری انتخابات بیش از چند ماه نمانده و فقدان حداقل شرائط لازم به این کمیته اجازه نخواهد داد تا بسترسازی انتخابات آزاد که هیچ، حتی چند وجب هم خط قرمزهای جمهوری اسلامی را به عقب بکشد. اما این کمیته، با توجه به ترکیب آن و چهره‌های سیاسی، فرهنگی و حقوقی شناخته شده در آن می‌تواند با ارائه گزارش خود از نتیجه بررسی عملکرد دست‌اندرکاران و مسئولین دولتی در آستانه انتخابات، سیمای روشن تری از آن به مردم ارائه کند. این گزارش، انعکاس واقعیت‌ها خواهد بود. پرسش اینجا است که آیا این کمیته آمادگی چنین کاری را دارد؟

۱۸ آبان ۱۳۸۶ - ۹ نوامبر ۲۰۰۷

ظرفیت حکومت‌ها بخواهیم به آن نگاه کنیم، طبیعی است که مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در جمهوری اسلامی، توهماً به نظر خواهد رسید.

به باور من دو نوع نگاه به خواسته‌ها و چگونگی تحقق آن‌ها وجود دارد. یک نگاه، در پی این است که خواسته‌ها را با حکومت در میان نهد و تحقق آن‌ها را از او طلب کند. در این نگاه، حکومت فعال مایشاء است. در این صورت، لازم است که در طرح هر نوع خواستی، ظرفیت حکومت در نظر گرفته شود. کسانی که همیشه در جریان مبارزه ظرفیت حکومت را برجسته می‌کنند، چه بخواهند و چه نخواهند، چشم به بالا داشته و حکومت و ظرفیت آن را مبنای طرح خواست و دستیابی بدان در نظر می‌گیرند. نگاه دوم، جنبش مردم را موتور و نیروی محرکه اصلی برای دستیابی به خواسته‌ها در نظر می‌گیرد. از این دیدگاه، چگونگی تعیین خواست‌ها و مبارزه برای آن را میزان آمادگی و آگاهی مردم مشخص می‌کند. مهم این است که برای خواست‌های مدنی، نظیر آزادی زندانیان سیاسی، آزادی احزاب، لغو اعدام، حق برابری زنان و مردان و غیره، مبارزه‌ای بتواند شکل گیرد. این که جمهوری اسلامی به آن تسلیم شود یا نشود از قبل قابل پیش بینی نیست. اگر تسلیم هم نشود، رشد آگاهی عمومی در ضرورت دستیابی به چنین خواستی نقش تعیین‌کننده‌ای در مسیر سیاسی آینده جامعه خواهد داشت.

تا کنون، اغلب گروه‌های سیاسی، به ویژه تشکل‌های چپ، هر آنجا که اقبال مختلف مردم خواستی را طرح و برای آن به مبارزه برخاسته‌اند، به حمایت از آن وارد مبارزه شده‌اند، اما همین ملاک را در مورد دیگر فعالان سیاسی به ندرت حاضرند به کار گیرند. شاید این یکی از دلایلی است که مبارزه سیاسی اپوزیسیون تا کنون نتوانسته است نقش اثر گذاری داشته باشد.

کمیته دفاع از انتخابات آزاد، قصد دارد در چارچوب ضوابط بیست‌گانه خود مبارزه کند. ابعاد این مبارزه و چگونگی دستیابی به آن هنوز روشن نیست. اما می‌توان کوشید این خواست از محدوده «اطلاع‌رسانی» و «فرهنگ‌سازی» فراتر رود. تعمیق دادن آن ناممکن نیست. هم شعار انتخابات آزاد ظرفیت بالایی دارد، هم شرایط داخلی و بین المللی به سود چنین شعاری است. < صفحه ۸

به دعوت کانون مدافعان حقوق بشر ایران، ۲۳ تن از فعالان سیاسی و حقوق بشر کشورمان بر مبنای معیارها و ضوابط تعریف شده در اعلامیه‌های جهانی حقوق بشر و میثاق‌های مربوط به آن، کمیته‌ای برای دفاع از انتخابات آزاد را تشکیل داده‌اند. شیرین عبادی، یکی از افراد موثر این کمیته، «اطلاع‌رسانی» و «فرهنگ‌سازی» را از اهداف این کمیته دانسته است. تشکیل این کمیته و هدفی که فرا روی خود نهاده است، حتی اگر محدود به «اطلاع‌رسانی» و «فرهنگ‌سازی» باشد، بازهم مثبت است. اساس ضوابط بیست‌گانه‌ای که توسط این کمیته اعلام شده است، معیارهایی است که عموم جریان‌ات آزادیخواه بارها بر آن تاکید کرده و انتخابات را با آن سنجیده‌اند. رعایت این معیارها برای بسیاری از جریان‌ات، یکی از مهم‌ترین دلایل شرکت و یا تحریم انتخابات در جمهوری اسلامی بوده است. از این رو اگر هدف این کمیته تبلیغ (یا اطلاع‌رسانی و فرهنگ‌سازی) باشد، تکیه بر چنین معیارهایی در عمل گفتمان حاکم را به نقد می‌کشد و ظرفیت آن را دارد که مورد پشتیبانی جریان‌ات سیاسی مدعی دموکراسی قرار گیرد. تأیید و پشتیبانی از حرکت این کمیته، به مبارزه در جهت تحقق این معیارها یاری می‌رساند. پشتیبانی از مبارزه این کمیته برای انتخابات آزاد در چارچوب مبارزه برای دموکراسی قرار دارد. این که قدرت حاکم به این یا آن خواست گردن بگذارد یا نه، موضوع دیگری است. خطای بزرگی که برخی تشکل‌های سیاسی چپ مرتکب می‌شوند این است که غالباً ظرفیت حکومت را ملاک پشتیبانی از طرح خواسته‌ها و مبارزه برای آن قرار می‌دهند. امروز حکومت ایران در مورد حقوق زنان، از ظرفیتی نزدیک به صفر برخوردار است. اگر تصور کنیم که حکومت ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ظرفیت پذیرش حقوق برابر میان زن و مرد را ندارد، آن وقت مبارزه برای «حقوق برابر» خطا به حساب می‌آید. منظورم این است که در مبارزات مدنی و حقوقی و سیاسی نمی‌شود تنها میزان ظرفیت یا عدم ظرفیت جمهوری اسلامی را به عنوان معیار در نظر گرفت. یا به عنوان مثال زندان سیاسی - به عنوان یکی از مهم‌ترین ابزارهای اعمال قدرت در حکومت‌های مستبد و خودکامه - را در نظر بگیریم. اگر از زاویه

صفحه ۷ &lt;

خواست انتخابات آزاد خواستی عادلانه، رادیکال و دموکراتیک است. در جهان امروز و مطابق معیارهای بین‌المللی کنونی، کسی نمی‌تواند در برابر آن بایستد. حتی حکومت جمهوری اسلامی هم مدعی انتخابات آزاد است و خود را برخاسته از رای مردم می‌داند. این شیوه‌ای است دموکراتیک، که بدون جنگ و خونریزی، از طریق رای، با قدرت تعیین و تکلیف می‌کند. یعنی با این شیوه اگر بتواند فراگیر شود قادر است حکومت‌های قدر قدرت را هم به زیر کشد. هم از این رو، خواست و شعاری است رادیکال. در عین نرم بودن و محکمه پسند بودن، پذیرش و طرح آن نیز با کم‌ترین به اصطلاح هزینه روبرو است. هر کسی در جامعه می‌تواند مدافع آن باشد و آن را تبلیغ کند. سرکوب کسانی که خواهان انتخابات آزاداند، برای حکومت بسیار دشوار است. این خواست، ظرفیت پشتیبانی جهانی را دارد، مشروط به اینکه مردم برایش به میدان کشیده شوند.

اما دو ضعف و مشکل اساسی نیز برای تبدیل شدن این خواست به یک جنبشی عمومی وجود دارد.

نخست ضعیفی است که به روحیه و روش و منش اپوزیسیون مدعی دموکراسی بر می‌گردد. تا کنون زاویه برخورد اپوزیسیون با حرکات و طرح‌های پیشنهادی دیگر فعالان سیاسی، یاری دهنده و تقویت کننده نبوده است. یک حرکت تا زمانی که اثر قابل مشاهده‌ای بر جا نگذاشته باشد، مورد بی توجهی قرار می‌گیرد. زمانی که در حدی مورد توجه قرار گرفت، آنگاه تهاجم به آن آغاز می‌شود. من پیش از این گفته و امروز باز می‌گویم: قدرت جمهوری اسلامی این است که با جریان‌های مخالف عجیبی روبرو است. هر طرح، شعار و برنامه‌ای که در برابر این حکومت بر می‌خیزد، برخی مخالفان، مجال از او می‌گیرند و می‌کوشند آن را سکه یک پول کنند. همین کمیته انتخابات آزاد را با ضوابط و معیارهای بیست گانه آن در نظر بگیریم. از احزاب و سازمان‌ها و تشکل‌های سیاسی آزادیخواه، کدام جریان مخالف انتخابات آزاد بوده است؟ به جرات می‌گویم حداقل عموم احزاب و سازمان‌ها و فعالان سیاسی اپوزیسیون بارها انتخابات در جمهوری اسلامی را با همین معیارها به نقد کشیده‌اند. حال که نیروئی در داخل کشور اعلام کرده است می‌خواهد همان سیاست مورد پذیرش آنها را تبلیغ کند، معلوم نیست چرا ساکت نشسته‌اند و با سکوت خود کمک به خاکسپاری اش می‌کنند. دور از انتظار نیست که اگر این حرکت انعکاسی پیدا کند، حمله آغاز شود. این تفکر در حالی که تفاوت‌ها را با میکروسکوپ می‌نگرد، چشم‌ها را بر اشتراکات در زیر تلسکوپ هم بسته نگاه می‌دارد.

امید من این است که به تجربه‌های منفی گذشته نظر اندازیم و برای تغییر در روش خود و کارا کردن سیاست‌های اپوزیسیون، طرح جدیدی در اندازیم.

مشکل دیگر، مربوط به ضعف فعالانی است که این کمیته را ایجاد کرده‌اند. برخی از بانیان این کمیته تا کنون، در برابر هیچ یک از انتخابات غیر دموکراتیک جمهوری اسلامی محکم نایستاده‌اند. اغلب آنها که در انتخابات شرکت کرده‌اند، ایستادگی‌شان تا آن جا بوده است که کاندیدایشان پذیرفته شود. به محض پذیرش، شعار انتخابات آزاد را مسکوت گذاشته‌اند. برای این که شعار انتخابات آزاد فضای داخل و حمایت جهانی را در خارج جلب کند، اپوزیسیون آزادیخواه نیازمند است که بر این دو ضعف غلبه کند. یعنی از سوئی هر فرد و سازمان سیاسی، هر مبارز و نهاد و تشکل حقوق بشری، صدای مبارزه برای انتخابات آزاد را به صورت جمعی و یا حتی به شکل فردی، پرطنین کند. از سوی دیگر این حرکت در صورتی به یک جنبش نیرومند بدل می‌شود که در ایران نیز فعالان سیاسی در صحنه تا آخر بمانند و با تهدید و تطمیع پا پس نکشند. توجه داشته باشیم که این دو نیرو، از هم متأثرند. همدیگر را تقویت و یا تضعیف می‌کنند.

به میزانی که هر کدام از این دو سنجیده عمل کنند، دیگری را در غلبه بر ضعف، یاری می‌رسانند.

از زاویه دیگری هم می‌توان به خواست و شعار «انتخابات آزاد» و این حرکت نگریست و نتایج آن را سنجید. امروز سایه شوم جنگ، بر فراز کشورمان بیش از گذشته پررنگ شده است. هر چند جنگ‌خواهان و جنگ‌افروزان، در دو طرف غالب نیستند، اما تا بدان اندازه نیرومندند که امکان بر افروختن شعله جنگ را دارند. از آن جا که عامل اصلی این بحران جمهوری اسلامی است، به نظر من وظیفه اصلی ما اپوزیسیون آزادیخواه برای دور کردن سایه جنگ، باید متوجه این حکومت باشد. هر اندازه بتوانیم مبارزه خود را علیه حکومت جمهوری اسلامی پرطنین‌تر و نیرومندتر کنیم، به همان اندازه امکان درگیر شدن در این جنگ، که نابودی جان و ثروت مردم ایران را در پی دارد، کمتر می‌شود. اما متأسفانه تا کنون، هم شعارهای اپوزیسیون کلی بوده و هم صفوف آنها پراکنده است. هر چند که اگر صفوفمان فشرده‌تر نیز شود، باز نیازمند شعارها و راه‌حل‌های فوری تری هستیم. تحقق اهداف و برنامه‌های اپوزیسیون برای استقرار دموکراسی به زمانی نیاز دارد که امروز برای جلوگیری از جنگ چندان موثر نیست. بسیج نیرو برای انتخابات آزاد شاید اگر درست به اجرا درآید، بتواند امکان جنگ را در این فرصت باقی مانده ضعیف کند. امروز حکومت مجبور است فضای انتخابات و بازار آن را گرم کند. جمهوری اسلامی می‌خواهد به هر ترفندی مردم را به پای صندوق‌ها بکشاند و با تقلب هم که شده، میزان مشارکت را بالا ببرد، تا به جهانیان بگوید که حکومتی است مشروع و مورد قبول اکثریت مردم ایران. حرکت در این فضا و طرح سیاست در این شرایط می‌تواند انعکاس بسیار گسترده‌تری داشته باشد. بذر سیاستی که در فضای عمومی انتخابات کاشته شود، امکان رشدش سریع‌تر و حاصلش، پر بارتر خواهد شد. به ویژه این که امروز با توجه به وضعیت افغانستان و عراق و بی ثباتی پاکستان، حمله به ایران برای کشورهای قدرتمند با ریسک بالاتری همراه است. طبیعی است در این شرایط شکل‌گیری جنبشی برای انتخابات آزاد، مورد توجه قرار گیرد. اگر اپوزیسیون آزادیخواه ایران بتواند شرایط را درست دریابد و حساسیت مقطع کنونی را درک کند، با چنین راهکارهایی بهتر می‌تواند به عنوان مانعی در برابر خطر جنگ موثر افتد.

۱۸ آبان ۱۳۸۶ - ۹ نوامبر ۲۰۰۷

